

## حقوق تجارت

و یا (برادران) اکتفا نموده است.

### مسئولیت شرکاء در مقابل اشخاص ثالث

بطور کلی در شرکت‌های تضامنی شرکاء اعم از اینکه امضا کننده شرکتنامه قبل از تشکیل شرکت باشند یا آنکه بعداً در شرکت مزبور به عنوان شریک ضامن داخل شده باشند در مقابل اشخاص ثالث نسبت بکلیه قروض و تعهدات شرکت منفرداً و مشترکاً مسئول می‌باشند و مسئولیت مزبور محدود و بهیچ گونه حدی نیست یعنی طلبکاران شرکت حق دارند طبق مقررات ماده ۱۲۴ قانون تجارت مطالبات خود را مقدمتاً از دارائی اشتراکی شرکاء یعنی دارائی شرکت و بعداً در صورتیکه دارائی مزبور تکافوی تأدیه آن را ننماید از دارائی افراد هر یک از شرکاء با کلیه آنها وصول نمایند و طبق مادتين ۱۱۶ و ۱۲۵ قانون مزبور هیچ گونه قرار دادی بین شرکاء تأثیری در حق مزبور نخواهد داشت.

علاوه بر مسئولیت تضامنی فوق الذکر هر یک از شرکاء که بدون اذن سایر شرکاء معامله کرده باشد بموجب صریح ماده ۵۸۵ قانون مدنی شخصاً در مقابل متعامل مسئولیت خواهد داشت.

مسئولیت شخصی شریک غیر مأذون در مواردی است که شرکت بهیچ وجه مشارالیه را مأذون قلمداد نکرده باشد و الا اگر شرکت در مقابل اشخاص ثالث تظاهراتی در این زمینه نموده باشد و اشخاص متعامل در حدود عرف تجارت باعتبار تظاهرات مزبور باسم شرکت یا شریک مزبور معامله نموده باشند مسئولیت متوجه شرکت خواهد بود.

مسئولیت شرکاء و شرکت در مقابل اشخاص ثالث منحصر بموارد عقود و تعهدات نیست بلکه در موارد ضمان قهری نیز

تعیین مدیران شرکت با مریض قانون الزامی است ولی مدت خدمت آنها در قانون معین نگردیده و تابع مقررات شرکتنامه یا اساس نامه (در صورت وجود) یا تصمیمات شرکاء خواهد بود و در هر صورت مدیران مزبور طبق مستفاد از کلیات قابل عزل بوده و دوره خدمت آنها با انحلال شرکت یا در صورت فراهم بودن موجبات قانونی خاتمه می‌یابد.

### شرکاء

در شرکت تضامنی شرکاء کسانی هستند که شرکتنامه را قبل از تشکیل شرکت امضاء کرده و یا بعد از ایجاد شرکت طبق ماده ۱۲۵ داخل شرکت شده اند.

بموجب قانون و بر حسب اقتضاء شرکت حد اقل شرکاء دو نفر است ولی حداکثری برای آن فرض نشده است اما آنچه در عمل دیده میشود عده شرکاء در شرکت‌های تضامنی خیلی محدود است و معمولاً بده نفر نمی‌رسد.

شرکاء مزبور باید واجد شرایط اساسی از حیث اهلیت قانونی و غیره بوده و قصد آنها نیز معلوم و قانونی باشد. شرکاء در اثناء اسم خود در شرکت کاملاً آزاد هستند اغلب اتفاق می‌افتد که اشخاصی مایلند از سرمایه خود استفاده کنند و بمناسباتی میل ندارند از اینکه اسم آن‌ها فاش گردد.

لذا بعنوان شریک مخفی داخل در شرکت تضامنی میشوند و در این صورت اسم آنها در اسم شرکت ذکر نمی‌شود.

عمل مزبور منع قانونی ندارد و حتی با در نظر گرفتن مفاد ماده ۱۱۷ میتوان استنباط نمود که قانون آن را جایز دانسته و بهمین مناسبت در این موارد با اشاره بلفظ (شرکاء)

مفاد ماده مزبور در قانون تجارت ایتالیا نیز دیده میشود (۱) ولی قوانین بعضی ممالک حکم فوق را قبول نکرده و شریک جدید را مسئول قروض قبل از دخول او نمی دانند مگر آنکه شریک مزبور بوسیله قرار داد جدیدی بادیان طلب آنها رابه عهده بگیرد

مسئولیت شرکائی که از شرکت خارج میشوند در مواردیکه بعضی از شرکا از شرکت خارج میشوند بدیهی است که در مقابل اشخاص ثالث مسئول قروض و تعهدات زمان شرکت خود خواهند بود و نسبت به قروض و تعهدات بعدی بطور کلی مسئولیتی نخواهند داشت ولی بر حسب مستفاد از کلیات مصوبت از مسئولیت در این مورد زمانی حاصل می شود که اخراج شریک طبق مقررات بعمل آمده باشد یعنی لااقل کناره گیری شریک مزبور بدایره ثبت شرکتها اطلاع داده شده و درجرا با اعلام گردد چه در غیر اینصورت موقعیت اشخاص ثالث متزلزل و نظر باینکه آنها معمولاً عالم باین موضوع نبوده و ممکن است معاملات هنوز باعتبار وجود شریک مزبور در شرکت انجام شود لذا نمیتوان در این مورد خروج او را از نقطه نظر حفظ حقوق اشخاص ثالث قانوناً محقق دانست تا سلب مسئولیت از شریک مزبور شود.

### رابطه شرکاء نسبت بیکدیگر

بطور کلی شرکاء در روابط نسبت بیکدیگر تابع قرار داد یعنی مقررات شرکتنامه خود خواهند بود و در صورت سکوت شرکتنامه مقررات کلی مدنی و تجارتی نسبت بر روابط آنها بین بیکدیگر حکومت خواهد داشت.

بر حسب مستفاد از ماده ۵۸۴ قانون مدنی در مورد اموال شرکت شرکاء نسبت بیکدیگر در حکم امین و طبق کلیات از قانون تجارت در امور تجارتی شرکت در حکم وکیل خواهند بود لیکن در مورد اخیر چنانچه ملاحظه شد اذن سایر شرکاء مؤثر در نفوذ عملیات انفرادی هر یک از آنها نسبت بسایر شرکاء خواهد بود.

بنابمقدمات فوق اقدامات شرکاء باید همیشه بشفه بیکدیگر

بر حسب مستفاد از کلیات مسئولیت متوجه شرکت و شرکاء خواهد شد مثل اینکه بعضی از شرکاء یا مدیر شرکت با اذن سایر شرکاء اموال غیري را غصب یا تلف نمایند یا سبب تلف آن گردند.

### مدت مسئولیت شرکاء

بطور کلی از زمان شروع شرکت تا تصفیه امور آن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث نسبت بقروض و تعهدات شرکت طبق مقررات مسئولیت تضامنی خواهند داشت -

حکم کلی مزبور مربوط به شرکائی است که از بند امر الی ختم آن در شرکت بوده اند و مسئولیت شرکاء جدیدی که پس از تشکیل شرکت داخل آن میشوند یا شرکائی که از شرکت کناره گیری مینمایند تابع مقررات خاصی است مسئولیت شرکاء جدید - بموجب صریح ماده ۱۲۵ « هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود آن داشته است اعم از این که در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد » - هر قرار دادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

بنا بر شرح فوق شریک جدید از لحاظ مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث در حکم شرکاء اولیه است یعنی مثل آنست که از روز اول شریک مزبور داخل در شرکت بوده است.

هر چند در ظاهر ممکن است ایراد شود که عملیات و اقدامات شرکاء قدیم بوکالت یا اجازه شریک جدید نبوده تا مسئولیت عملیات گذشته متوجه او نیز گردد ولی نظر باین که دخول شریک جدید در شرکت با علم به عملیات و اقدامات سابقه آن است تنفیذ عملیات مزبور از طرف شریک جدید استفاده میشود و برای آنکه این معنی مورد تردید واقع نشود قانون تجارت بموجب نص صریح قبول آن را تجویز نموده است

(۱) Codice Commerciale Art. 78.

و مآلاً بفتح شرکت باشد و خودداری از عملیاتی که ممکن است موجب ضرر و زیان برای شرکت شود لازم است و بهمین مناسبت ماده ۱۳۴ قانون تجارت مقرر داشته است که هیچ شریکی نمیتواند بدون رضایت سایر شرکاء بحساب شخصی خود یا بحساب شخص ثالثی تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا بعنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

بر حسب مقررات فوق الذکر کلیه منافع انفرادی هر یک از شرکاء که با در نتیجه اقدامات و عملیات مربوطه شرکت و یا در نتیجه اقدامات و عملیات غیر مجوز (در مواردی که اجازه سایر شرکاء ضرورت دارد) عاید گردد متعلق بشرکت خواهد بود مثل اینکه شریکی از فروش مال التجاره شرکت حق العمل یا دلالی دریافت دارد یا از فروش غیر مجوز مال التجاره نظیر مال التجاره شرکت منافع بدست آورد - اجرت و منافع مذکور متعلق بشرکت و جزء عایدات آن محسوب است.

چنانچه ملاحظه شد شرکاء در بردن منافع فقط در موارد خاصی حق تقدم نسبت بیکدیگر خواهند داشت ولی اگر شریکی وجوهی بشرکت قرض دهد و ربح ثابتی برای آن معین گردد ربح مزبور دیون شرکت محسوب و قبل از احتساب منافع باید پرداخت شود.

### حل اختلافات

در موارد اختلاف نظر بین شرکاء اگر مقررات شرکتنامه طریقه حل آن را پیش بینی نکرده باشد بی مناسبت نیست گفته شود که اگر اختلافات مربوط بموضوعات اساسی است باید برضایت تمام شرکاء حل شود - مثلاً تغییر موضوع شرکت که امر اساسی است و باید برضایت تمام شرکاء باشد و اگر اختلافات مربوط به بعضی از جزئیات اداری باشد بر حسب مستفاد از کلیات رای اکثریت شرکاء نسبت به آن قاطع خواهد بود مثلاً مال التجاره شرکت از طریق بغداد یا تراویزان صادر شود از اموری است که اکثریت شرکاء میتوانند

نسبت به آن نظر قاطع دهند. اختلافات تفسیری که ظاهراً اساسی بنظر میرسد مثل اختلافاتی که ممکن است در نتیجه سوء تفسیر عبارات شرکت نامه حاصل شود اغلب از طریق حکمیت یا قضاوت حل میشود.

### حق رسیدگی به حسابات

حق شرکاء در مراجعه برسیدگی تمام دفاتر و محاسبات شرکت محرز و مسلم است و هیچگاه نمی توان افراد شرکاء را از استفاده خود محروم ساخت.

### جبران خسارات

در جبران خسارات هر یک از شرکاء میتوانند در حدود مقررات نسبت بسهم هر یک مراجعه کنند مگر آنکه در شرکت نامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد بنابراین اگر احد از شرکاء کلیه قروض و دیون شرکت را بپردازد میتواند در صورتیکه شرکت نامه طریقه خاصی پیش بینی نموده باشد بسایر شرکاء به نسبت سهم هر یک مراجعه کرده و طلب خود را وصول نماید و در موارد ورشکستگی احد از شرکاء در صورتیکه کلیه دیون شرکت تأدیه شده باشد شرکاء دیگر برای وصول سهمیه شریک ورشکست ذر ذریف طلبکاران خصوصی او محسوب هستند لکن مادام که کلیه دیون شرکت تأدیه نشده باشد طلبکاران شرکت حق تقدم بر شرکاء خواهند داشت زیرا در غیر اینصورت شرکاء دیگر با دلتنبن خود هم ردیف شده و این امر جایز نیست اگرچه نتیجه طلبکاران شرکت با مراجعه ثانوی به سایر شرکاء که در بردن اموال شریک ورشکست با آنها هم ردیف بوده برای تقسیم وجوهی که از محل سهمیه شریک ورشکست عاید شود بحق خود برسد.

نسبت بنظر مزبور ممکن است اظهار داشت که اگر شریک ورشکست در نتیجه معامله با شرکت مدیون شرکت شده باشد شرکاء دیگر اعم از اینکه کلیه دیون شرکت تأدیه شده یا نشده باشد میتواند استثنائاً با طلبکاران اختصاصی و طلبکاران

شرکت در تقسیم اموال شریک و شرکت در یک ردیف قرار گرفته و به نسبت دیون مزبور از آن اموال سهم میبرند . در موارد عملیات غیر مأذون هر یک از افراد شرکاء مسئولیت متوجه دیگران نبوده در صورتیکه ضرری متوجه شریک مزبور شده باشد نمیتوان جبران آنرا از دیگران علی قدر سهمم بخواهند ولی در صورت حصول منافع هر چند که اذنی در بین نبوده ولی از طریق تفیذ یا توجه باین که شرکاء مأذون در انجام معاملات و نظیر معاملات و تجارت شرکت نخواهند بود و بموجب مستفاد از کلیات میتوان مدافع مزبور را متعلق بشرکت دانست در عایدات محسوب و طاق مقررات بین شرکاء تقسیم نمود .

در موارد مسئولیت ناشی از ضمان قهری جبران خسارات در صورتی از سایر شرکاء مورد پیدا خواهد کرد که اقدام به عمل بنحوی از اجزاء بد اذن شرکت و شرکاء محسوب شود و الا شریک مرتکب شخصاً مسئول بوده و نمیتواند جبران خسارات را از دیگران بخواهد .

تفکیک دارائی شرکاء از دارائی شرکت - در عین حال که شرکاء در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند و کلیه دارائی آنها در حقیقت وثیقه است در مقابل طلبکاران شرکت نسبت بیکدیگر دارائی اشتراکی و انفرادی هر یک معین و مشخص است و وجود شرکت بین آنها مستلزم امتزاج کلیه اموال آنها نمیشود و اگر احیاناً اموال بعضی از شرکاء مورد استفاده شرکت قرار گیرد در صورتیکه اموال مزبور به عنوان سهم الشرکه غیر نقدی به شرکت تسلیم نشده باشد متعلق بشرکت نبوده و جزء دارائی شخصی شریک مزبور خواهد بود مثل اینکه احد از شرکاء اماکن خود را برای محل اداره در اختیار شرکت بگذارد در این مورد اماکن مزبور جزء دارائی شخصی شریک محسوب اگر چه مال الاجاره پرداخته نشود .

تشخیص و تجزی دارائی شرکت از دارائی اختصاصی شرکاء از لحاظ طلبکاران خصوصی شرکاء و طلبکاران شرکت و همچنین از حیث تقسیم منافع شرکت بین شرکاء مؤثر و

ضروری است :

### خروج شرکاء

خروج شرکاء از شرکت بد طریق حاصل میشود :

- ۱ - انتقال سهم الشرکه بغير .
- ۲ - فسخ شرکت .

در مورد انتقال سهم الشرکه رضایت تمام شرکاء شرط

است چه بموجب صریح ماده ۱۲۳ قانون تجارت هیچیک از شرکاء نمی تواند سهم الشرکه خود را بدیگری منتقل کند مگر بر رضایت تمام شرکاء در صورت تحقق قانونی انتقال منتقل الیه شریک جدید در شرکت محسوب و نایع مقررات ماده ۱۲۵ قانون تجارت خواهد بود یعنی در مقابل طلبکاران شرکت مسئولیت تضامنی نسبت به کلیه قروض و تعهدات قبلی شرکت خواهد داشت و تغییر اسم شرکت در این موارد تأثیری در مسئولیت شریک مزبور نخواهد داشت و شریک نقل جزء شرکاء متقاعد محسوب و مسئولیت او بنحوی است که در گذشته ملاحظه شد .

### فسخ شرکت

شرکاء در مواقعی میتوانند شرکت را فسخ کنند که در اساس نامه حق مزبور از آنها سلب نشده باشد و منظور از فسخ نیز قصد اضرار نباشد بنا بر این اگر اساس نامه نسبت بحق فسخ ساکت باشد چون حق مزبور صریحاً سلب نشده بموجب قانون حق فسخ برای هر یک از شرکاء باقی خواهد بود ولی در این صورت تقاضای فسخ بموجب ماده ۱۳۷ قانون تجارت باید ششماه قبل از فسخ گتیباً بشرکاء اعلام شود و اگر موافق اساس نامه باید سال بسال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در مورد ختم محاسبه سالانه به عمل می آید .

اگر بموجب اساس نامه حق فسخ سلب نشده باشد استفاده از حق مزبور بطوریکه ماده فوق الذکر اشعار دارد در مواردی جایز خواهد بود که قصد اضرار در بین نباشد در صورت بروز اختلافات نسبت باین موضوع دادگاههای صلاحیت دارد مرجع تشخیص آن خواهند بود -